

حمایت از حقوق کودکان در قوانین افغانستان و ایران

سید جواد سجادی زاده^۱ | محمد عیسی هاشمی^۲

چکیده

حقوق کودکان و نوجوانان در جامعه از حقوقی است که به جهت عدم توانایی آنان در احقاق حق، از جایگاه ویژه و والایی برخوردار است. به همین جهت کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹م، در راستای حمایت از حقوق کودکان به عنوان آسیب‌پذیرترین عضو جامعه انسانی، تصویب شد. افغانستان و ایران نیز در سال ۱۹۹۴ آن را با حفظ «حق شرط» نسبت به کلیه احکام و مقررات مغایر با احکام اسلامی و قوانین داخلی، به تصویب رساند. افغانستان و ایران علاوه بر تلاش‌های بین‌المللی، در عرصه داخلی نیز در قوانین مختلف از کودکان حمایت نموده و حتی قوانین را تحت عنوان قانون «حمایت حقوق طفل» و «حمایت از اطفال و نوجوانان» را به تصویب رسانده است. این پژوهش حمایت از حقوق کودکان را در قوانین افغانستان و ایران با روش تحلیلی توصیفی بررسی کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نسبت به حقوق کودکان در دو کشور مورد مطالعه توجه ویژه صورت گرفته و برای آن‌ها حقوق بسیاری؛ اعم از مدنی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در نظر گرفته شده است.

واژگان کلیدی: حقوق، حقوق کودکان، قوانین افغانستان، قوانین ایران

۱. لیسانس حقوق، دانشکده فقه و حقوق، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان
۲. دکترای فقه و حقوق قضایی، دانشکده فقه و حقوق، جامعه المصطفی العالمیه (نماینده افغانستان)، کابل، افغانستان
ایمیل: d.m.eisa.mohammadi@gmail.com

مقدمه

یکی از مؤثرترین و حساس‌ترین ایام زندگی هر انسانی، دوران کودکی است. خوب و بد این ایام، سعادت و خوشبختی ایام بعدی را برای انسان رقم می‌زند. همه مقدرات کودک در این دوره از زندگی به دست والدین و اطرافیان است و کودک به دست همین اطرافیان، شیرین‌ترین و تلخ‌ترین لحظات را تجربه می‌کند. کودکانی با رشد مناسب در این ایام به اعتلای لازم در بزرگسالی می‌رسند، و کودکانی نیز در نتیجه غفلت، سهل‌انگاری یا تعمد اطرافیان دور یا نزدیک، با شکنجه، آزار جسمی، جنسی و دیگر آسیب‌ها روبرو می‌شوند و آن را تا سال‌ها پیش چشم دارند. همچنین رفتارهای خرافی، خودکامه و ناپسند با کودک، می‌تواند ایام شیرین کودکی را به جهنمی برای او مبدل سازد. در مقابل شناخت حقوق کودک، می‌تواند مانع برخی از این خودکامگی‌ها نسبت به کودکان شود.

حقوق کودک و تضمین‌های مناسب برای آن می‌تواند خودکامگی اطرافیان و متولیان آموزش و دیگران را کنترل نماید. حمایت‌های قانونی از جنبه مختلف برای حمایت از حقوق کودکان از حیات و تغذیه گرفته تا تربیت و آموزش، ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر کودکان هر جامعه، آینده‌سازان آن جامعه‌اند. بنابراین پرورش و رشد صحیح آن‌ها نه تنها آینده سعادت‌مند آنان، بلکه آینده روشن جامعه را نیز نوید می‌دهد. تحقق این مهم، درگروشناسایی حقوق کودکان در قوانین و حمایت از آن است. ازاین‌رو این تحقیق به تبیین و تحلیل حمایت از حقوق کودکان در قوانین افغانستان و ایران پرداخته است؛ زیرا ضروری به نظر می‌رسد که حقوق کودک در قوانین داخلی هر دو کشور، بررسی شود.

۱. مفاهیم

۱-۱. حمایت

حمایت در لغت به معنای نگاهبانی، پناه، پستی، دستگیری، حفاظت، یاری، نصرت و تقویت است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶: ۹۱۹۶). منظور ما در اینجا از حمایت، یاری



کردن کودکان در راستای استیفا و برخورداری از حقوقشان است.

۱-۲. حقوق

الف. مجموعه مقررات حاکم بر روابط اجتماعی: حقوق در این معنا مجموعه بایدها و نبایدهایی است که اعضای یک جامعه ملزم به رعایت آنها می‌باشند و دولت ضمانت اجرای آنها را به عهده دارد. (دانش‌پژوه، ۱۳۹۲: ۶) بنابراین وقتی گفته می‌شود حقوق افغانستان یا حقوق اسلام، درواقع اصطلاح حقوق در این معنا به کار رفته است.

ب. دانش حقوق: گاهی منظور از حقوق علم حقوق (Law) است. طبق این معنا حقوق رشته‌ای از دانش اجتماعی است که به تجزیه و تحلیل قوانین و مقررات الزام‌آور اجتماعی، چگونگی پیدایش، وضع، تفسیر و استنباط و سیر تحول آنها می‌پردازد (دانش‌پژوه، ۱۳۹۲: ۶؛ کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲؛ ۱۴) و مراد از حقوق در عبارت‌های مانند حقوق‌دانان، دانشجویان حقوق و دانشکده حقوق، این معنا است.

ج. حقوق جمع حق: یکی از معانی که از شنیدن واژه حقوق به ذهن متبادر می‌شود، این‌که حقوق جمع حق است و حق به معنای امتیاز، سلطه و قدرتی است که به موجب قانون یا دیگر قواعد جانشین؛ مانند عرف و رویه قضایی به اشخاص داده شده و دیگران مکلف به رعایت آن می‌گردند. (دانش‌پژوه، ۱۳۹۲: ۵ و ۶) مانند حق مالکیت، حق انتخاب و مشارکت سیاسی، حق زوجیت، حق مؤلف، حق حضانت، حق حیات و حق آزادی شغل، حقوق بشر، حقوق کودک و امثال این‌ها. مراد از حقوق کودک در این تحقیق، این معنای حقوق است.

۱-۳. کودک (طفل)

کودک در قوانین افغانستان چنین تعریف شده است «طفل شخصی است که سن هجده را تکمیل نکرده باشد»؛ (وزارت عدلیه، ۱۳۹۶: ۱۲۶) اما قوانین ایران به تبعیت از فقه امامیه مرز کودکی و بزرگسالی را بلوغ می‌داند. (عبادی، ۱۹۹۰: ۵۶) بر این اساس مرز بین مسئولیت و عدم مسئولیت فردی در عبادات و در حقوق ۹ سال

تمام قمری برای دختران و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران دانسته شده است. در ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان طفل این گونه تعریف شده است: «طفل هر فردی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد». (قانون حمایت از اطفال و نوجوانان: ۱۳۹۹/۲/۲۳، ماده ۱)

۱-۴. قوانین

قوانین جمع قانون و قانون در زبان یونانی از کانون به قاعده و ترتیب اتخاذ شده است و منظور از آن، قواعد کلی است که به طور یکسان شامل یک سلسله امور شود؛ مانند قانون عرضه و تقاضا در اقتصاد یا قانون جاذبه در علوم طبیعی. به بیان دیگر منظور از قانون در اصطلاح عبارت است از احکام و مقررات الزام آور که توسط مقامی که اختیار قانون گذاری دارد، وضع و به اجرا گذاشته شود. قانون در معنای اخص، قواعدی است که با رعایت تشریفات معین از طرف قوه مقننه وضع می گردد و در معنای عام شامل مصوبات قوه مقننه و دولت است. (رسولی، ۱۳۹۳: ۱۱۵)

۲. حمایت از حقوق مدنی کودکان در قوانین افغانستان

۱-۲. حمایت از حق ثبت ولادت

نخستین مسئله پس از متولد شدن کودک، ثبت ولادت وی است؛ زیرا اولاً ثبت ولادت در حکم شناسایی رسمی وجود کودک از طرف دولت است. ثانیاً ثبت تولد، یکی از عناصر اساسی در برنامه ریزی های ملی دولت برای کودکان است. ثالثاً ثبت ولادت ابزاری است برای تأمین سایر حقوق کودک؛ مانند شناسایی او در زمان وقوع جنگ، زلزله، ترک خانواده، آدم ربایی ها. سندی که پس از ثبت ولادت در دفتر ثبت احوال نفوس اخذ می گردد، در واقع سند اثبات هویت انسان است. (رسولی، ۱۳۹۳: ۱۱۵)

شناسایی و احراز هویت هر فرد؛ مانند تابعیت، نسب، قرابت و اهلیت فقط از طریق این سند ممکن است. همچنین برخورداری از حقوق مدنی، اجتماعی، سیاسی و اجتماعی در یک کشور، متوقف بر داشتن این سند است.

بر اساس بند ۱ ماده ۱۷ قانون حمایت طفل، مسئولین مراکز صحتی مکلفند



که هنگام تولد کودک، روز، تاریخ، جنس، نام و نام خانوادگی کودک را در کارت مخصوص ثبت و به والدین اعطا نماید. بر اساس قانون ثبت احوال نفوس (وزارت عدلیه، ۱۳۹۳:۱۱۵۴) اتباع افغانستان اعم از اینکه در داخل کشور باشند یا خارج از آن، مکلفند که تولد فرزندان را به نزدیک‌ترین اداره ثبت احوال نفوس گزارش داده و به ثبت برسانند. این قانون در بند ۱ ماده ۱۷ چنین آمده است: «ولی یا قریب قانونی طفل نوزاد، مکلف است از تولد طفل در خلال مدت سه ماه به نزدیک‌ترین مرجع ثبت احوال نفوس یا مراکز ثبت تولدات، گزارش ارائه نماید». اگر اتباع افغانستان در خارج از کشور اقامت داشته باشند، مکلفند تولد فرزندان را در مدت سه ماه به نمایندگی سیاسی یا کنسولی افغانستان در خارج به‌طور کتبی گزارش دهند. (بند ۲ ماده ۱۷ قانون ثبت احوال نفوس) نمایندگی‌های سیاسی یا کنسولی افغانستان مکلفند که گزارش تولدات را بعد از ثبت، به اداره ثبت احوال نفوس و بررسی امور هویت خارجی‌ان ارسال نمایند. بر اساس قانون حمایت طفل نیز، والدین مکلفند که در مدت سه ماه از تولد طفل خود به نمایندگی سیاسی یا کنسولی افغانستان اطلاع داده یا در مدت سه روز از تاریخ ورود به کشور، به اداره ثبت احوال نفوس اطلاع دهند.

۲-۲. حمایت از حق برخورداری از شیر مادر

شیر مادر بهترین غذا برای کودک است. با همه پیشرفت‌های که امروزه در علم و تکنولوژی صورت گرفته و تلاش‌های فراوانی که برای نزدیک کردن ترکیب شیر خشک به شیر مادر انجام شده؛ اما تا کنون جایگزینی برای شیر مادر پیدا نشده است. شیر مادر افزون بر جنبه‌های تغذیه که برای رشد نوزاد، نخستین واکسن وی نیز محسوب می‌شود؛ زیرا زمانی که هنوز سیستم ایمنی نوزاد آن‌قدر تکامل نیافته که در برابر عوامل بیماری‌زا و میکروب‌ها دفاع کند، این شیر مادر است که آنتی‌بادی‌ها و فاکتورهای مبارزه با ویروس‌ها و باکتری‌ها را به نوزاد منتقل می‌کند. شیر مادر همواره در حال تغییر است و متناسب با بزرگ شدن کودک و تغییر نیازهای تغذیه‌ای او، دگرگون می‌شود و حتی تا شش ماهگی عطش و تشنگی کودک را با هم برطرف می‌کند. در دوران شیرخوارگی، افزون بر اینکه کودک از نظر جسمی استحکام لازم را



به دست می‌آورد، روح کودک نیز تحت تأثیر رفتار و اخلاق مادر قرار گرفته و زمینه تربیتی و رشد معنوی کودک شکل می‌گیرد. بنابراین شیر مادر بهترین غذای کودک به‌ویژه در ماه‌های اول تولد است.

قانون حمایت از حقوق کودکان در بند ۱ ماده ۱۹ تغذیه با شیر مادر را به‌عنوان یکی از حقوق کودکان به رسمیت شناخته است: «طفل از بدو تولد حق دارد که با شیر مادر خود تا مدت دو سال تغذیه گردد، مگر اینکه مادر وی عذر موجه داشته باشد».

۳-۲. حمایت حق برخورداری از نام

نام یکی علامت لفظی است که اشخاص به‌واسطه آن از یکدیگر متمایز می‌گردد. کودک بعد از تولد و ثبت ولادت، برای آینده زندگی اجتماعی و برخورداری از هویت، باید دارای نام و نام خانوادگی باشد. قانون حمایت طفل در ماده ۱۴ در خصوص این حق چنین آورده است: «طفل از بدو تولد دارای حق داشتن نام مناسب است» در بند ۲ و ۳ این ماده، والدین و سرپرست قانونی طفل، مکلف شده‌اند که برای طفل نام مناسب انتخاب نموده و نام وی نباید دارای محتوای تحقیرآمیز یا توهین به کرامت وی یا مغایر با عقاید دینی باشد. در آموزه‌های اسلامی نیز افزون بر نام، به انتخاب نام نیکو مناسب توصیه شده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۷۸ و ۴۰۱)

در قوانین افغانستان در خصوص اینکه آیا داشتن نام الزامی است یا خیر، صراحت قانونی وجود ندارد؛ اما از روح قوانین مربوطه، مانند قانون ثبت احوال نفوس و قانون مدنی (ماده ۴۷) چنین استنباط می‌گردد که داشتن نام به‌عنوان نخستین ممیزه اشخاص، الزامی است؛ زیرا داشتن اسناد هویتی^۱ مانند شناسنامه الزامی است.

۲-۴. حمایت از حق برخورداری از هویت خانوادگی (نسب)

بسیاری از حقوق کودکان مانند حضانت، نفقه وارث فقط در داشتن نسب مشخص، قابل تأمین است (پیوندی، ۱۳۹۰: ۳۰۶) البته این سخن به این معنا نیست که کودکان فاقد نسب و آن‌هایی که والدینشان مشخص نیست، از این حقوق برخوردار نیستند.

۱. فرع ۲ ماده ۳ ثبت قانون احوال نفوس، هویت را چنین تعریف نموده است: «هویت: شهرت مکمل شخص است که شامل اسم، تخلص، اسم پدر، اسم پدرکلان، تاریخ تولد به تفکیک روز، ماه و سال، محل تولد، سکونت اصلی و سکونت فعلی است.



این موارد جنبه استثنایی دارد و باید دولت برای آن‌ها تدابیری اتخاذ کند. منظور از حق کودک در داشتن نسب، حق برخورداری از امتیاز حمایت‌های والدین است. یکی از حقوقی که برای کودک از اهمیت زیادی برخوردار است و آثار فراوانی بر آن بار می‌شود، قرابت خانوادگی (نسب) است. انتساب کودک به خانواده مشخص، وی را از رها بودن به حال خود و تکیه کردن به افراد ناصالح حفظ کرده و افراد سودجو و استثمارگر، به راحتی نمی‌توانند از آن‌ها سوءاستفاده کنند.

در حقوق اسلامی و به تبع آن حقوق افغانستان، برای حمایت از نسب کودک، مهم‌ترین قاعده که پیش‌بینی شده، قاعده اماره فراش است. اماره فراش بر این مبنا استوار است که تا حد ممکن کودک به پدر خانواده منتسب شود. بر مبنای اماره فراش، طفلی که از زن شوهردار به دنیا آمده باشد، فرزند شوهر فرض شده و متعلق به او است. (صفایی و امامی، ۱۳۹۳: ۳۹۲) بر مبنای این اماره قانونی، طفل متولد شده در زمان زوجیت به پدر ملحق می‌شود، مشروط بر اینکه از تاریخ نخستین نزدیکی با مادر تا تولد طفل، حداقل شش ماه گذشته باشد و از تاریخ آخرین نزدیکی، بر مبنای قانون مدنی بیش از یک سال (قانون مدنی: ماده ۲۱۷) و بر مبنای قانون احوال شخصیه اهل تشیع بیش از نه ماه قمری نگذشته باشد. (وزارت عدلیه، ۱۳۸۸: ماده ۱۷۳)

بنابراین می‌توان گفت که قاعده فراش بر پایه مصالح طفل و حفظ نظم جامعه استوار است. توجه نکردن به قاعده فراش، در بسا موارد، نفی ولد را به دنبال خواهد داشت و این مسئله باعث فساد در جامعه و محروم شدن طفل از حمایت خانوادگی و مالی و محرومیت وی از شرافت خانوادگی خواهد شد. بنابراین پیش‌بینی قاعده فراش یکی از مهم‌ترین روش حمایت از کودک در زمینه حق برخورداری از هویت خانوادگی (نسب) است.

۵-۲. حمایت از حق حضانت

حضانت در لغت به معنای در برگرفتن کودک، در آغوش گرفتن، کودک را به سینه چسبانیدن، پرستاری کردن، تربیت کردن و پرورش دادن کودک آمده است. (آذرنوش،



۱۳۹۰: ۱۲۸) فقها در تعریف حضانت گفته‌اند: «حضانت عبارت است از ولایت و سلطنت بر تربیت و متعلقات آن از قبیل نگهداری کودک، گذاردن او در بستر، سرمه کشیدن، پاکیزه کردن، شستن جامه‌های او و مانند آن». (شهید ثانی، بی‌تا، ۲: ۱۲) حقوق‌دانان در تعریف آن گفته‌اند: «حضانت عبارت است از اقتداری که قانون به منظور نگهداری و تربیت اطفال به پدر و مادر آنان اعطا کرده است». (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۲: ۱۳۱؛ امامی، ۱۳۹۰، ۲: ۱۷۸)

قانون مدنی در بند ۱ ماده ۲۳۶ در خصوص تعریف حضانت چنین بیان می‌دارد: «حضانت عبارت از حفاظت و پرورش طفل است در مدتی که طفل به حضانت و پرورش زن محتاج باشد». قانون احوال شخصیه تشیع در بند ۱ ماده ۱۷۸ حضانت را چنین تعریف کرده است: «حضانت نگهداری، تعلیم و تربیت اسلامی و نظافت و تداوی اطفال است». بر مبنای این ماده حضانت شامل موارد ذیل می‌گردد: ۱ نگهداری؛ مانند تغذیه، نظافت و تعویض لباس و هم‌چنین مراقبت در برابر حوادث خارجی؛ مانند حفاظت از سرما و گرما و نیز در صورت نیاز به درمان، باید درمان شود.

۲ تعلیم: یعنی متصدی حضانت مکلف است که متناسب به اقتضای سن کودک به تعلیم او پرداخته و ضروریات دین را به او بیاموزاند. ۳ تربیت: متصدی حضانت مکلف است که با در نظر داشت اقتضای سن کودک به تربیت طفل نیز توجه نماید. مدت حضانت بر اساس قانون مدنی، برای پسر تا هفت سالگی و برای دختر تا نه سالگی است. این قانون در ماده ۲۴۹ چنین بیان می‌دارد: «مدت حضانت پسر با سن هفت و از دختر با سن نه سالگی تمام خاتمه می‌یابد» بنابراین بر طبق قاعده بعد از سن هفت سالگی برای پسر و نه سالگی برای دختر، حضانت پایان می‌یابد؛ اما اگر وضعیت طفل مستلزم دوام مدت حضانت باشد، دادگاه می‌تواند حداکثر تا دو سال دیگر آن را تمدید کند. ماده ۲۵۰ قانون مدنی در این خصوص چنین مقرر می‌دارد: «محکمه می‌تواند مدت حضانت مندرج ماده (۲۴۹) این قانون را تمدید نماید. مشروط بر اینکه مدت تمدید شده از دو سال تجاوز نکند». در قانون احوال شخصیه اهل تشیع، حضانت مانند قانون مدنی محدود به هفت سال و نه سال



نیست، بلکه حضانت نسبت به پسر تا هفت سال و نسبت به دختر تا نه سال حق مادر است و بعد از این مدت، حق حضانت به پدر منتقل می‌شود. این قانون در بند ۳ ماده ۱۷۸ چنین بیان می‌دارد: «مادر نسبت به پدر در حضانت دختران تا نه سالگی و در پسران تا هفت سالگی دارای حق تقدم است، بعد از سپری شدن مدت متذکره، حضانت پسر و دختر به پدر تعلق می‌گیرد. مگر اینکه محکمه بنا بر مصالح طفل خلاف آن را مصلحت تشخیص دهد».

قانون مدنی پایان مدت حضانت را مشخص کرده است (هفت سالگی برای پسر و نه سالگی برای دختر). قانون احوال شخصیه اهل تشیع پایان دوره حضانت مادر را مشخص کرده است (پسران تا هفت سالگی و دختران تا نه سالگی)؛ اما پایان حضانت پدر را به طور دقیق مشخص نکرده فقط گفته است بعد از هفت سالگی پسر و نه سالگی دختر، حضانت به پدر تعلق می‌گیرد، در حالی که بهتر بود این قانون پایان دوره حضانت پدر را نیز به صورت واضح مشخص می‌کرد. از لحاظ فقهی، بسیاری از فقه‌های شیعه پایان دوره حضانت را رسیدن فرزند به سن رشد دانسته‌اند. (موسوی خمینی، بی تا، ۲: ۳۱۳) حق حضانت کودک در قانون حمایت حقوق طفل نیز به صراحت مورد پذیرش قرار گرفته است (ماده ۲۴): «طفل مطابق احکام قانون دارای حق حضانت... است».

۶-۲. حمایت از حق حیات

یکی از مهم‌ترین حقوق کودک، حق حیات است. قانون اساسی در این خصوص در ماده ۲۳ چنین مقرر می‌دارد: «زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی‌گردد». قانون حمایت حقوق طفل نیز به این حق توجه نموده و در ماده ۱۳ مقرر می‌دارد: «طفلی که زنده متولد می‌گردد، از حق طبیعی حیات به عنوان موهبت الهی برخوردار بوده و مطابق احکام این قانون و سایر اسناد تقنینی مورد حمایت قرار می‌گیرد». در بند ۲ این ماده، وزارت خانه‌ها و ادارات ذی ربط، اعم از دولتی و غیردولتی، مکلف شده است که به منظور تأمین حق حیات و رشد سالم طفل، تدابیر لازم را اتخاذ و عملی نماید.



۳. حمایت از حقوق فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کودک

۳-۱. حمایت از حق برخورداری از تابعیت

یکی از وجوه تمایز اشخاص در عرصه فراملی، تابعیت است. تابعیت یک رابطه سیاسی و معنوی است که شخصی را به دولت معینی مرتبط می‌سازد. (نصیری، ۱۳۹۵: ۲۶) یا تابعیت رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی بین اشخاص (اشیاء) با یک دولت معین است. (ارفع نیا، ۱۳۸۶: ۲، ۴۳)

تابعیت از این جهت اهمیت دارد که معیاری برای تعیین حقوق و هویت ملی اشخاص است. قانون اساسی در این خصوص در ماده ۴ می‌گوید: «ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را داشته باشد». افزون بر این، تابعیت موجب بهره‌مندی از حقوق شهروندی، سیاسی، اقتصادی و... می‌شود. (قانون اساسی افغانستان: مواد ۳۵، ۴۸ و ۳۳) داشتن تابعیت سبب می‌شود که اشخاص حتی در خارج از کشور خود نیز مورد حمایت دولت متبوع خود باشند. ماده ۳۹ قانون اساسی در این خصوص می‌گوید: «دولت از حقوق اتباع افغانستان در خارج از کشور حمایت می‌نماید». همچنین قانون تابعیت نیز در ماده ۶ می‌گوید: «تبعه افغانستان در خارج، تحت حمایت دولت افغانستان قرار دارد». قانون حمایت حقوق طفل در ماده ۱۵، حق داشتن تابعیت را برای طفل به رسمیت شناخته و می‌گوید: «طفل از بدو تولد دارای حق داشتن تابعیت است».

۳-۲. حمایت از حق آموزش

یکی از مهم‌ترین مباحث مربوط با کودکان در جهان معاصر، بحث آموزش آنان است. این حق از دو جهت قابل توجه است؛ یکی اینکه حق آموزش کودک، یکی از تکالیف والدین است و آنان باید تمام تلاش خود را در این راه مبذول دارند. (قانون احوال شخصیه اهل تشیع: بند ۱ ماده ۱۷۸) دیگر اینکه وظیفه حکومت است که به‌عنوان متولی جامعه، برای بسترسازی و بسیج امکانات تلاش کند تا جامعه را به نقطه‌ای برساند که هیچ کودکی از آموزش بازماند. برای تأمین این هدف، در قانون



اساسی تدابیری پیش‌بینی شده است. مثلاً در ماده ۴۳ آمده: «تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به‌صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌گردد. دولت مکلف است به‌منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبان‌های مادری را در مناطقی که به آن‌ها تکلم می‌کنند فراهم کند». این قانون در ماده ۴۴ به آموزش ویژه زنان و کوچیان پرداخته و می‌گوید: «دولت مکلف است به‌منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بی‌سوادی در کشور، پروگرام‌های مؤثر طرح و تطبیق نماید». احکام مواد فوق عام بوده و کودکان را نیز شامل می‌شود.

قانون حمایت حقوق طفل نیز آموزش اطفال را به‌صراحت به‌عنوان یک حق موردپذیرش قرار داده و در ماده ۴۸ می‌گوید: «اطفال اعم از پسر و دختر مطابق احکام قانون دارای حق مساوی بهره‌مندی از حق پرورش، آموزش و تعلیم و تربیه است». این قانون در ماده ۴۸ تعلیمات متوسطه یا اساسی را در افغانستان اجباری دانسته و در بند ۲ آن آورده که تعلیمات دوره‌های قبل از مکتب، دوره‌های تعلیمات متوسطه ثانوی، تکنیکی، مسلکی، حرفوی، هنری، تعلیمات رسمی اسلامی در مؤسسات تعلیمی و تربیتی دولتی برای اطفال به‌صورت رایگان تأمین می‌شود. بر اساس ماده ۵۰ این قانون، وزارت معارف مکلف شده که به‌منظور دسترسی کودکان به آموزش، تدابیری لازم را اتخاذ نماید. افزون بر این، در ماده ۵۱ تصریح شده که هیچ‌کسی به شمول والدین، سرپرست یا کارفرما، حق ندارد که کودک را از آموزش محروم کند.

۳-۳. حمایت حق پرورش (تربیت)

یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های پدر و مادر، تربیت فرزند است. در حقوق اسلامی به مسئله تربیت کودکان توجه ویژه شده و یکی از مهم‌ترین وظایف والدین را پرورش اخلاقی و فکری کودکان دانسته است. در قوانین افغانستان نیز به این امر مهم توجه شده است. در قانون احوال شخصیه اهل تشیع در بند ۲ ماده ۱۲۳ آمده: «زوجین مکلفند در تحکیم اساس خانواده و تربیت اولاد با یکدیگر معاونت و همکاری



نمایند». در بند ۱ ماده ۱۷۸ این قانون نیز تربیت اسلامی یکی از مصادیق حضانت دانسته شده است. قانون مدنی نیز تربیت کودک را مصداق حضانت دانسته و متصدی حضانت را به اجرای آن مکلف کرده است. در قانون حمایت حقوق طفل (ماده ۴۸) نیز این حق به رسمیت شناخته شده است.

۳-۴. حمایت از حق عدم استخدام به کار دشوار و مضر

از یک جهت، کودکان باید در دوره نوجوانی به تدریج با یک سلسله کارها آشنا شوند و مهارت‌هایی را کسب کنند. این امر همان حقوق کودک نسبت به فراگیری حرفه و آمادگی برای استقلال و وارد شدن به جامعه است. از جهت دیگر، این حق نباید باعث شود که کودکان به کارهای دشوار و فعالیت‌های که به جسم و روح آن‌ها زیان‌آور است، وادار شوند. قانون حمایت حقوق طفل نیز به این موضوع توجه کرده و حفاظت و حمایت از طفل در برابر بهره‌کشی اقتصادی و حمایت در برابر انجام کارهای شاقه و اجباری را یکی از حقوق اساسی طفل دانسته است. (قانون حمایت طفل، فرع ۲۳ و ۲۲ ماده ۱۲ و ماده ۲۲)

قانون کار افغانستان نیز کارهای سنگین و مضر به صحت کودکان را ممنوع اعلام کرده است. در ماده ۱۲۰ آمده: «استخدام زنان و نوجوانان به کارهای فیزیکی ثقیل، مضر صحت و زیرزمینی جواز ندارد. فهرست این کارها از طرف وزارت‌های صحت عامه و کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین و اداره مربوطه، تثبیت و تصویب می‌گردد». این قانون کارهای شبانه را به عنوان یکی از مصادیق کارهای دشوار برای نوجوانان ممنوع دانسته و در ماده ۱۲۱ می‌گوید: «اداره نمی‌تواند زن و نوجوان را به اجرای کار شبانه توظیف نماید». همچنین به موجب این قانون، نوجوانان از توظیف به اضافه کاری و مسافرت به منظور کار رسمی نیز ممنوع شده است. (قانون کار، ماده ۱۲۲) با وجود اینکه در قوانین داخلی، نسبت به کار کودکان توجه ویژه‌ای شده و از کارهای دشوار و مضر منع شده است؛ اما با آن‌هم کودکان سرزمین ما، به دلیل فقر و بی‌کاری و مرگ پدران، به کارهای سخت و دشواری گماشته شده و در وضعیت نامناسب اقتصادی و اجتماعی به سر می‌برند. این کودکان مجبورند در مناطق و



محل‌های نامناسب در ساعات بسیار طولانی و با مزد ناچیز کار کنند که باید در این قسمت از سوی دولت توجه جدی شود.

۳-۵. حمایت از حق آزادی بیان

یکی دیگر از حقوق انسان‌ها، اعم از کودک و بزرگسالان، آزادی بیان است. در قانون اساسی از این حق حمایت شده، چنانکه در ماده ۳۴ آمده: «آزادی بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید. هر افغانستانی حق دارد مطابق احکام قانون، به طبع و نشر مطالب بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی بپردازد». البته باید توجه داشت، از آنجای که آزادی بیان مستلزم رابطه با دیگران است و بر فضای عمومی جامعه تأثیر می‌گذارد، ممکن است توسط قانون محدود شود؛ چنان‌که در قانون اساسی به آن اشاره شده است.

در قانون حمایت حقوق طفل نیز این حق مورد تأکید قرار گرفته و در ماده ۵۷ آمده: «(۱) طفل دارای حق آزادی فکر، بیان و اظهار اراده بوده و شامل جستجو، دریافت و دسترسی به انواع معلومات می‌گردد؛ اعم از معلومات شفاهی، کتبی، چاپی یا به شکل اثر هنری یا سایر وسایل اطلاعاتی به انتخاب وی مطابق احکام قانون از آن استفاده می‌شود. (۲) استفاده از حقوق مندرج فقره (۱) این ماده محدودیتی ندارد، مگر اینکه در مغایرت با احکام قانون، متناقض با حفظ امنیت ملی، نظم و اخلاق عمومی، معتقدات دینی جامعه، صحت عامه یا لطمه به آزادی و حقوق دیگران باشد». در این ماده حق آزادی بیان به صورت واضح مورد پذیرش قرار گرفته، ولی چند مورد استثنا شده است.

۳-۶. حمایت از حق برخورداری از خدمات بهداشتی

برخورداری از سلامت و خدمات بهداشتی مناسب برای کودکان، از اهمیت زیادی برخوردار است. حق هر کودک است که از تغذیه خوب، محیط مناسب و مراقبت‌های صحی برخوردار باشد تا در برابر بیماری‌ها محافظت شده و از رشد و تکامل مناسب

بهره‌مند گردد. قانون حمایت حقوق طفل، حق دسترسی کودک به خدمات بهداشتی را به رسمیت شناخته و در ماده ۲۹، وزارت‌ها و ادارت دولتی را مکلف کرده است که به‌منظور دسترسی لازم کودک به خدمات بهداشتی، در راستای کاهش مرگ و میر کودکان، گسترش مراقبت‌های اولیهٔ صحتی مبارزه علیه امراض ساری و سوء تغذیه و... تدابیر لازم را اتخاذ نماید. بر اساس ماده ۳۰ قانون حمایت حقوق طفل، والدین یا ممثل قانون طفل مکلف شده‌اند که در خلال مدت ۲۴ ساعت بعد از تولد، اولین واکسن طفل را در نزدیک‌ترین محل واکسیناسیون تطبیق نمایند.

۴. حمایت از حقوق مدنی کودکان در قوانین ایران

۴-۱. حمایت از حق حیات

حق زندگی شایسته و مصون بودن از سلب حق حیات، یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق کودک است. کودک در مراحل نخست کودکی و نوزادی بیش از سایر مراحل زندگی، در معرض نقض این حق قرار دارد. جنگ، ترور، بلایای طبیعی، رفتارهای غیرعمدی، غفلت، سهل‌انگاری یا بعضی مواقع رفتارهای عمدی والدین زندگی کودکان را هدف قرار می‌دهد. حق حیات کودک در نظام‌های حقوقی مختلف به رسمیت شناخته شده است؛ اما تفاوت که دیده می‌شود ناشی از نوع نگاه به کودک و سن کودکی است.

می‌توان به مواردی که قرآن درباره حرمت کشتن کودکان برای تنگدستی و منع زنده‌به‌گور کردن دختران آورده است، اشاره نمود. آیه ۱۵۱ سوره انعام قتل کودکان را به دلیل تنگدستی نادرست در مبانی حقوق اسلامی حق حیات کودک به رسمیت شناخته شده است. زنده‌به‌گور کردن دختران نیز از نمادهایی است که قرآن از عادات قبایل عرب یاد کرده و در آیات ۱۴۰ سوره انعام و ۹ و ۸ سوره تکویر به مخالفت با آن می‌پردازد. در ادبیات اسلامی واژه «حق حیات» به چشم نمی‌خورد؛ اما به خوبی می‌توان از منابع آن، حرمت شدید آدم‌کشی، شناسایی حق حیات و حمایت از انسان را استنباط نمود. این که خداوند در قرآن کریم قتل یک انسان را برابر با کشتن همه



انسان‌ها توصیف کرده است، (مأئده: ۳۲) شدت حمایت از حیات انسان را نشان می‌دهد. این آیه کریمه تنها دو سبب مشروع برای قتل، منظور کرده است: کشتن دیگران و فساد در روی زمین. جز این دو مورد، حیات انسان‌ها محترم و مورد حمایت است. اگر کسی به حیات محترم دیگری تجاوز کند و آن را سلب نماید، امکان کشتن او در پرتو حق قصاص هم با هدف حمایت از انسان‌ها و حفظ حیات آنان و بازداشتن بزه‌کاران از خون‌ریزی، وضع شده است. روی سخن خداوند در آیه کوتاه قصاص با خردمندان است: «ای خردمندان برای شما در کیفر قصاص زندگی است». (بقره: ۱۷۹) گویی اگر انسان با عقل خود در مشروعیت کیفر قصاص عمیقاً تأمل کند، درمی‌یابد که حفظ امنیت جسمانی و روانی افراد جامعه، مصلحت لازم الاستیفایی است که تأمین آن به کیفرهای عادلانه نیازمند است. ذکر این نکته لازم است که قصاص، کیفر الزامی نیست، بلکه حق زیان دیدگان (اولیای دم) محسوب می‌شود و قرآن کریم با رویکردی اخلاقی بر عفو هم تأکید می‌کند. (مأئده: ۴۵)

امام علی^(ع) در بخشی از فرمان خود به مالک اشتر که قرار بود والی مصر شود، فرمود: «و بپرهیز از خون‌ها و ریختن آن به ناروا که چیزی مانند ریختن خون به ناحق، آدمی را به کیفر نرساند و گناه را بزرگ نگرداند و نعمت را نبرد و رشته عمر را نبرد». (نهج البلاغه، نامه ۵۳) حق حیات از حقوق ذاتی شخص انسان که باید به موجب قانون حمایت شود و کودک نیز انسان است و حق حیات، حق ذاتی او است.

تمام احکام حقوقی قرآن و شریعت یا حدود اسلامی و قصاص، شامل تمام افرادی که به حد بلوغ شرعی رسیده باشند، خواهد شد. تعیین حد بلوغ شرعی ۹ و ۱۵ سال موجب کوتاه کردن ایام کودکی است و با بزرگ‌سال فرض کردن انسان می‌تواند کودکان را با مجازات مرگ روبه‌رو سازد. بنابراین اگر کمتر از سنّ هجده سال را کودک بدانیم، حمایت از حق حیات کودکان در قوانین ایران صورت نگرفته است.

۲-۲. حمایت از حق ثبت ولادت

در همه کشورها مهم‌ترین مسئله بعد از متولد شدن طفل، ثبت ولادت وی است؛ زیرا دولت‌ها با ثبت ولادت کودکان به حقوق آنان رسیدگی می‌کنند. در حقوق ایران نیز

اعلام ولادت طفل به سازمان ثبت احوال اجباری است و برای متخلف از آن، مجازاتی پیش‌بینی شده است. (قانون تخلفات، جرائم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه، مصوب ۱۳۷۰: ماده ۴)

تبصره ماده قانون ثبت احوال، اجباری بودن اعلام را بیان می‌کند: «مهلت اعلام ولادت، پانزده روز از تاریخ ولادت طفل است و تعطیل رسمی آخرین روز، مهلت به حساب نمی‌آید و در صورت که ولادت دراثناي سفر زمینی یا هوایی یا دریایی رخ دهد، مهلت اعلام آن، از تاریخ رسیدن به مقصد محسوب می‌شود». (پیوندی، ۱۳۹۰: ۲۸۹) ماده ۱۶ قانون ثبت احوال افرادی را برمی‌شمارد که به اعلام ولادت به ثبت احوال مکلف هستند: «اعلام و امضای سند ثبت ولادت، به ترتیب، به عهده اشخاص زیر خواهد بود: ۱. پدر؛ ۲. مادر در صورت غیبت پدر و در اولین موقعی که قادر به انجام این وظیفه باشد؛ ۳. مادر یا جد پدری که از طرف دادگاه به سمت ولایت انتخاب شده باشد؛ ۴. وصی یا قیم یا امین؛ ۵. اشخاصی که قانوناً عهده‌دار نگهداری طفل می‌باشند؛ ۶. متصدی یا نماینده موسسه‌ای که طفل به آنجا سپرده شده است؛ ۷. صاحب واقعه که سن او از ۱۸ سال تمام به بالا باشد».

۳-۴. حمایت از حق رضاع

بعد از تولد اساسی‌ترین مسئله برای کودک، ادامه حیات است و بدیهی است که در چنین موقعیتی، کودک توان حفاظت از خود را ندارد و مادر نزدیک‌ترین فرد به کودک است و شیر مادر بهترین غذا برای وی. در حقوق ایران نیز به موضوع شیر مادر اشاره شده است. ماده ۱۱۷۶ شیر دادن به کودک را حق مادر می‌داند؛ به همین دلیل مقام عمومی یا پدر نمی‌تواند وی را مجبور به شیر دادن کند. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد؛ مگر در صورتی که تغذیه طفل به غیر شیر مادر ممکن نباشد». البته بر اساس ذیل ماده مزبور، این حق و اختیار برای مادر تا زمانی است که تغذیه کودک با امور دیگر ممکن باشد. بنابراین اگر شیر مادر تنها تغذیه کودک باشد و امکان تهیه شیر خشک یا اجیر کردن دیگری، به دلیل اعسار پدر و دارا نبودن طفل وجود نداشته باشد، مادر موظف است که به کودکش شیر بدهد.



در قوانین دیگر نیز قانون‌گذار به‌نوعی اهمیت شیر مادر برای کودک و اهمیت دوران تغذیه طفل بعد از دوران حاملگی را از طریق تصویب برخی مقررات، در جامعه به افراد جامعه گوشزد می‌کند. یکی از این قوانین، قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران در دوران شیردهی، مصوب ۱۳۷۴ است. این قانون برای استفاده از شیر خشک و وارد کردن آن، محدودیت‌هایی در نظر گرفته و موارد تخلف را جرم انگاری کرده است. بر اساس ماده ۹، متخلفان از اجرای این قانون، با رعایت مراتب و دفعات جرم، به تعذیر از قبیل نصب پارچه تخلف بر سردر داروخانه، تعطیل موقت آن، قطع موقت بعضی خدمات شهری یا جزای نقدی و در صورت تکرار جرم، به حداکثر تعزیر و جزای نقدی در محاکم صالح محکوم می‌شوند. (پیوندی، ۱۳۹۰: ۲۹۸)

۴-۴. حمایت از حق برخورداری از نام

اصل برخورداری همه کودکان از نام، امری مسلم و بی نیاز بحث است؛ زیرا بدین‌وسیله، امکان بهره‌مندی از حقوق در زندگی اجتماعی برای کودک فراهم می‌شود. البته با توجه به اینکه صرف داشتن نام نمی‌تواند متمایزکننده هویت افراد باشد، لذا در همه کشورها، هر فرد باید نام خانوادگی نیز داشته باشد. در قوانین داخلی ایران نیز به مسئله نام‌گذاری کودک توجه شده و در قوانینی، از جمله قانون ثبت احوال، مقرراتی برای آن وضع شده است که به نکات مهم آن اشاره می‌کنیم. ولادت هر طفلی که در ایران زاده می‌شود، اعم از اینکه پدر و مادر وی ایرانی باشد یا بیگانه، باید به نماینده یا مأمور ثبت اعلام شود. ولادت اطفال ایرانیان مقیم خارج از کشور باید به مأمور کنسولی ایران در محل اقامت و اگر نباشد به نزدیک‌ترین مأموران کنسولی یا به سازمان ثبت احوال کشور اعلام شود. یا نماینده ثبت احوال و مأموران کنسولی موظفند که ولادت طفل را با مشخصات لازم، ثبت کنند. یکی از موارد الزامی، قید کردن نام و نام خانوادگی طفل است. بعد از تکمیل مشخصات و اقدامات لازم، در صورت که طفل ایرانی باشد، برای وی شناسنامه صادر می‌شود. (قانون ثبت احوال، ۱۳۵۵: مواد ۱۲ و ۱۳) در خصوص نام کودک، هرگاه پدر و مادر طفل مشخص نباشد، سند یا نام خانوادگی، آزاد و نام‌های فرضی در محل اسامی

ابوین ذکر می‌شود؛ (پیوندی، ۱۳۹۰: ۳۰۳) اما در خصوص انتخاب نام و نوع آن نیز قانون‌گذار در قانون ثبت احوال مقرراتی مشخص کرده است. بر اساس ماده ۲۰ این قانون، انتخاب نام با اعلام‌کننده است. برای نام‌گذاری، نام ساده یا مرکب از نظر عرف یک نام محسوب شود، انتخاب خواهد شد. انتخاب عناوین و القاب و نام‌های زننده و مستهجن یا نامناسب با جنس، ممنوع است (همان: ۳۰۴)

۴-۵. حمایت از حق مصونیت از تبعیض

کودکان به دلیل عدم توانایی جسمی در مراحل اولیه زندگی و عدم تجربه و توانایی تصمیم‌گیری در دوران رشد، باید از تبعیض و پیامدهای ناشی از آن مصون بمانند. قبل از هر چیز، محیط خانوادگی و اجتماعی تولد کودک نباید عامل تبعیض علیه او باشد. در بسیاری از مناطق جهان شاهد آن هستیم که کودکان متولد از خانواده‌های فقیر یا کودکان برخی اقلیت‌های قومی یا مذهبی مورد تبعیض قرار می‌گیرند. به همین ترتیب جنسیت نباید اسباب تبعیض باشد؛ اما پاره‌ای از مردم بین کودک پسر یا دختر تفاوت قائل هستند و به کودک پسر احترام بیشتری دارند.

۴-۶. حمایت از حق برخورداری از نگهداری و حفاظت (حضانت)

در اهمیت داشتن این حق با توجه به نیاز مُبرم کودک به تکیه‌گاه و پناه مطمئن و دلسوز، هیچ تردیدی وجود ندارد. به‌علاوه، آینده هر جامعه‌ای مستلزم تربیت و پرورش کودکان است؛ زیرا چارچوب رفتاری افراد جامعه، در دوران کودکی و خصوصاً در سال‌های ابتدایی تولد و حتی در دوران زندگی جنینی، پایه‌گذاری می‌شود. در قانون مدنی ایران، به مسئله حضانت نگاهی دوسویه وجود دارد. از یک طرف آن را از حقوق مسلم کودک به شمار آورده است؛ به دلیل اینکه والدین را مکلف به رعایت این امر کرده است. از این جهت، فقط رعایت مصالح عالیۀ کودک مدنظر است. به همین جهت است که قانون‌گذار مدنی ایران مقرر می‌دارد: «هیچ‌یک از ابوین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آن‌ها است، از نگهداری او امتناع کنند. در صورت امتناع یکی از ابوین، حاکم باید به تقاضای دیگری یا تقاضای قِیم یا یکی از اقربا یا به تقاضای مدعی‌العموم، نگهداری طفل را به هر یک از ابوین که حضانت



به عهده او است، الزام کند و در صورت که الزام، ممکن یا مؤثر نباشد، حضانت را به خرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد، به خرج مادر تأمین کند». (پیوندی، ۱۳۹۰: ۳۲۱)

از سوی دیگر، حضانت را حق پدر و مادر نیز دانسته است. به نظر می‌رسد داشتن این حق برای عهده‌دار شدن آن است و بدین معنا نیست که پدر و مادر می‌توانند با اسقاط این حق، کودک را به حال خود رها کنند، مگر اینکه حکومت و جامعه، راهکاری برای حراست و حفاظت از این دسته از کودکان در نظر بگیرد. البته تدبیر ناچار حکومت، هیچ‌گاه جای والدین و خانواده را نمی‌گیرد و از باب ناچاری و اضطرار است. ماده ۱۱۷۵ قانون مدنی مؤید این معنا و برداشت است: «طفل را نمی‌توان از ابوی یا از پدر یا از مادری که حضانت با او است، گرفت، مگر در صورت وجود علت قانونی».

۵. حمایت از حقوق فرهنگی و اجتماعی کودکان در قوانین ایران

۵-۱. حمایت از حق حفظ هویت

برخی از کودکان در شرایط بحران و جنگ یا در مناطق قبیله‌ای اقلیت یا خارج از ازدواج والدین که ناخواسته صاحب فرزند می‌شوند، یا در شرایط فقر والدین که کسی انتظار آمدن آن‌ها را نداشته باشد، به دنیا می‌آیند. با تولد این دسته از کودکان نابود شدن یا رها شدن آن‌ها در مناطق مختلف و در موارد خرید و فروش آن‌ها محتمل است. این شرایط، کودکان را در وضعیت بی‌هویتی قرار خواهد داد.

با تولد افراد رابطه‌ای بین پدر و مادر و کودک شکل می‌گیرد و ابتدایی‌ترین اتفاق فرهنگی در این زمینه شناسایی کودک و تعیین نام برای اوست. امروزه انتساب یا به رسمیت شناختن کودک به عنوان فرزند و ثبت مشخصات او و نیز رفتار والدین با او تابع قواعد حقوقی است. ماده ۷ میثاق بین‌المللی کودک می‌گوید: «تولد کودک بلافاصله پس از به دنیا آمدن ثبت می‌شود و از حقوقی مانند حق داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان شناسایی والدین تحت سرپرستی آن‌ها برخوردار است».



(رئیزی، ۱۳۹۵: ۵۰) کشورهای طرف کنوانسیون موظفند که سازوکاری ایجاد کنند تا هر کودکی از حق داشتن ملیت بهره‌مند شود.

۵-۲. حمایت از حق آموزش

یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق کودک در دنیای امروز، مسئله تعلیم و آموزش کودکان است. در دستورات دینی، بر علم‌آموزی و دانش‌اندوزی کودکان از سنین ابتدایی دوران کودکی، بسیار تأکید شده است. از نظر قوانین داخلی ایران، آموزش و پرورش اجباری است. مهم‌ترین قانون هر کشور، قانون اساسی آن کشور است. قانون اساسی بسیاری از کشورها ایجاد بستر مناسب برای آموزش کودکان به عنوان وظیفه دولت پیش‌بینی شده است. چند اصل از اصول قانون اساسی ایران، به ارائه امکانات برای آموزش و پرورش مجانی اشاره می‌کند. به عنوان نمونه در اصل سوم قانون اساسی آمده است: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ۳... آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی». (پیوندی، ۱۳۹۰: ۳۴۵) بر اساس ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، ممانعت از تحصیل کودکان جرم بوده و فرد خاطی، مستحق مجازات است.

با عنایت به مطالب و قوانین فوق، ملاحظه می‌شود که هیچ ماده قانونی را نمی‌توان یافت که به استناد آن، بتوان فردی را از حق مسلم تحصیل و تعلیم و تربیت در هر مرحله یا مقطعی محروم کرد. بنابراین سلب چنین حقی از هریک از افراد، خلاف مقررات و قوانین است.

۵-۳. حمایت از حق پرورش

علاوه بر تأمین معاش و نگهداری کودک، تربیت وی نیز به عهده پدر و مادر یا سرپرست قانونی کودک است. پدر و مادر یا سرپرستان قانونی، باید کودک را برای ورود به زندگی اجتماعی آماده کنند و مهم‌تر از آن، باید بر رفتار و تعلیم او نظارت کنند و سنت‌های مذهبی و ملی را بیاموزند. این مسئله بیشتر جنبه اخلاقی دارد و به‌دشواری می‌توان در حقوق از آن حمایت کرده و اجرای آن را تضمین کرد؛ اما



به هر حال، در حقوق نیز تا حدودی باید به این مسئله توجه شود.

قانون‌گذار ایران در ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «زوجین باید در تشدید مبنای خانواده و تربیت اولاد خود، به یکدیگر معاضدت نمایند». همچنین بر اساس ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی: «ابوین مکلف هستند که در حدود توانایی خود، به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آن‌ها را مهمل بگذارند». (پیوندی، ۱۳۹۰: ۳۴۲)

۴-۵. حمایت از حق بهداشت و رفاه اجتماعی

بر خورده‌ای از سلامت و بهداشت مناسب و نیز رفاه اجتماعی، برای کودکان اهمیت دارد. در قوانین و مقررات ایران مواد متعددی برای این مسئله پیش‌بینی شده است. قانون برنامه اول تا چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر تأمین حداقل نیازهای اساسی عموم مردم در خصوص بهداشت تأکید می‌کند. در بندهای ۲ و ۱۰ قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی آمده است: «وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی عبارتند از: ... ۲. تأمین بهداشت عمومی و ارتقای سطح آن از طریق اجرای برنامه‌های بهداشتی، مخصوصاً در زمینه بهداشت محیط و کنترل و نظارت بهداشتی بر سموم و مواد شیمیایی، مبارزه با بیماری‌ها، بهداشت خانواده و مدارس، آموزش بهداشت عمومی، بهداشت کار و شاغلان، با تأکید بر اولویت مراقبت‌های بهداشتی اولیه، به‌ویژه بهداشت مادران و کودکان با همکاری و هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط... تشویق و ترغیب افراد خیر و مؤسسات خصوصی جهت اقدامات حمایتی برای کودکان در سنین قبل از دبستان و سالمندان و خانواده‌ها و افراد بی‌سرپرست و نیازمند و معلولان جسمی و ذهنی و اجتماعی غیرقابل توان بخشی و ارائه این خدمات در موارد ضروری، توسط مؤسسات دولتی و نظارت بر این اقدامات در کشور، طرح‌های متعددی در زمینه‌های مختلف بهداشتی، مانند ریشه‌کنی فلج اطفال و کنترل بیماری‌های اسهالی، اجرا شده و موفقیت‌های نیز به دست آمده است. همچنین درباره کودکان معلول، بر اساس لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور، مصوب ۱۳۵۹، وظایف مختلفی در



خصوص رفاه و توان بخشی و ایجاد فرصت‌های شغلی و مشاوره بهداشتی و پزشکی به عهده سازمان مذکور قرار داده شده است». (پیوندی، ۱۳۹۰: ۳۶۳)

۶. حمایت از مسئله کار کودک در قوانین ایران

از آنجا که کار کردن در سنین پایین، آثار منفی جبران‌ناپذیری برای کودک دارد، محدودیت‌هایی در راستای ممانعت از اشتغال کودکان در نظر گرفته شده است. قانون کار مصوب ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام در ماده ۷۹، حداقل سن شروع به کار در کارهای عادی را ۱۵ سال تمام مقرر کرده، ولی این قاعده سه استثنا دارد: یک) طبق ماده ۱۸۸ قانون کار، کارگران کارگاه‌های خانوادگی که انجام کار آن‌ها منحصرأ توسط صاحب کار و همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک از طبقه اول وی انجام می‌شود، مشمول مقررات این قانون نخواهد بود.

دو) به موجب ماده ۸۴ قانون کار به کار گماردن افراد کمتر از ۱۸ سال برای کارهای که ماهیت آن‌ها برای سلامتی و اخلاق نوجوانان زیان‌آور است، ممنوع است. سه) بر اساس ماده ۱۹۱ قانون کار با پیشنهاد شورای عالی کار و تصویب هیئت وزیران امکان خروج کارگاه‌های با حداکثر پنج کارگر از شمول قانون کار میسر است که پیامدهای هولناکی برای کودکان در پی خواهد داشت و راه را برای استعمار همه جانبه آن‌ها در سطح جامعه باز خواهد کرد.

بر اساس ماده ۸۰ قانون کار، انجام آزمایش‌های پزشکی در بدو استخدام و به طور سالیانه برای کارگران در فاصله سنی ۱۵ تا ۱۸ سال که از نظر این قانون، کارگر نوجوان نامیده می‌شود، توسط سازمان تأمین اجتماعی ضروری است. این امر بدین علت است که نخست، تشخیص داده شود که چنین نوجوانی می‌تواند از عهده مشکلات امور محوله برآید یا خیر و در صورت عدم توانایی، آیا در کارخانه یا کارگاه تولیدی، شغلی وجود دارد که متناسب با وضعیت روانی و جسمانی وی باشد یا خیر. دوم حفظ سوابق پزشکی و معاینات مداوم موجب می‌شود که کار محوله به سلامتی کارگران نوجوان لطمه نزند. مضاف بر آن مطابق ماده ۸۱ همین قانون «این آزمایش‌های پزشکی کارگر نوجوان، حداقل باید سال یک‌بار تجدید شود و مدارک مربوط در



پرونده استخدامی وی ضبط گردد. پزشک درباره تناسب نوع کار با توانایی کارگر نوجوان اظهارنظر می‌کند و اگر کار مربوط را نامناسب بداند کارفرما مکلف است که در حدود امکانات خود، شغل کارگر را تغییر دهد». اگر کارفرما شغل مناسب دیگری برای ارجاع به چنین کارگر نوجوانی نداشته باشد، این مورد با بند ج ماده ۲۱ قانون کار منطبق و از مصادیق خاتمه قرارداد کار است و کارفرما باید به چنین کارگری، علاوه بر کلیه مطالباتش بابت دوره اشتغال برای هر سال سابقه اعم از متوالی یا متناوب، بر اساس آخرین حقوق مبلغ معادل یک ماه به عنوان مزایای کارپردازد.

نوع دیگری حمایت تحت عنوان محدودیت ساعات برای کودکان پیش‌بینی شده است. به موجب ماده ۵۱ قانون کار، ساعات کارگران بزرگسال در شبانه‌روز نباید از ۸ ساعت بیشتر باشد.

۷. حمایت از حقوق سیاسی کودکان در قوانین ایران

چون کودک در محدوده سنی ابتدای تولد تا ۱۸ سالگی تعریف می‌شود، بخشی از حقوق او هم حقوق سیاسی خواهد بود که قرار ذیل است:

۷-۱. حمایت از حق آزادی

کنوانسیون حقوق کودک در مواد ۱۲ تا ۱۷، مسائل مهمی را درباره موضوع آزادی کودکان مطرح کرده است. البته واضح است که این حقوق مربوط به آن دسته از کودکانی است که تا حدی استقلال فکری و توانایی کسب اعتقادات و دیدگاه‌های خود را دارند.

۷-۲. حمایت از حق بیان آزادانه عقاید

ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک به صراحت بیان می‌کند که کودکی که توانایی شکل دادن و سامان بخشیدن به عقاید خود را دارد، می‌تواند و حق دارد که آزادانه نظر و عقیده خود را بیان کند و دیگران باید بر اساس و متناسب با سن و میزان بلوغ او، به دیدگاه و عقاید او اهمیت دهند. همچنین باید به کودک اجازه داد که در دادرسی‌های قضایی و اداری مربوط به خود، نظرش را به‌طور مستقیم یا از طریق نماینده، بیان کند. البته به گونه‌ای که مطابق با قوانین ملی باشد. در این ماده دولت مکلف شده که

زمینه‌ای را فراهم کند تا کودک بتواند عقیده و نظر خود را در زمینه مسائل اجتماعی و سیاسی و مذهبی، آزادانه بیان کند و همچنین در مسائل قضایی و دادگستری، فرصت اظهارنظر را در امور مربوط به خودش به کودک بدهند. البته مفهوم این ماده این گونه نیست که زندگی کودک بر اساس نظر شخصی وی تنظیم گردد. در دستورات و آموزه‌های دینی نیز به دلیل اینکه هیچ گونه تکلیفی برای کودک نیست، به نظر می‌رسد وی در اظهارنظر و بیان، آزاد باشد.

نتیجه‌گیری

کودکان آینده‌سازان یک کشورند که باید توجه ویژه به آنان صورت گیرد. اهمیت این موضوع به قدری است که کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ تصویب و در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ نافذ شد. افغانستان و ایران در سال ۱۹۹۴ با حفظ حق شرط نسبت به کلیه احکام و مقررات مغایر با احکام اسلامی و قوانین داخلی به این کنوانسیون پیوست. این سند بین‌المللی، تعهدات بسیاری را متوجه کشورهای عضو در راستای حمایت از حقوق کودکان ساخته است. بنابراین می‌توان آن را یکی از بهترین و گران‌بهاترین هدیه به کودکان جهان دانست. در عرصه داخلی، این دو کشور در قوانین مختلفی از کودکان حمایت شده و حتی «قانون حمایت حقوق طفل» در افغانستان و «قانون حمایت از نوجوانان و جوانان» در ایران به تصویب رسیده است که به نوع خود، یکی از اقدامات مهم و قابل توجه در راستای حمایت از حقوق کودکان است. بررسی‌های انجام شده در قوانین افغانستان و ایران نشان می‌دهد که حقوق زیادی برای کودکان به رسمیت شناخته شده است. از نظر قوانین افغانستان، کودک شخصی است که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد؛ اما از نظر قوانین ایران اگر سن کودک شخصی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد. طبق قوانین ایران اگر سن کودک را در دختران ۹ سال قمری و در پسران ۱۵ سال قمری بدانیم، حمایت از حق حیات کودکان به مخاطره می‌افتد که این حق در افغانستان برای کودکان به رسمیت شناخته شده و از آن حمایت شده است. کنوانسیون حقوق کودک نیز به نوعی سن کمتر از ۱۸ را به نوعی به رسمیت شناخته است.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۹۰)، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: نشر نی.
۲. ارفع نیا، بهشید، (۱۳۸۶)، حقوق بین الملل خصوصی، تهران: نشر بهتاب.
۳. پیوندی، غلامرضا، (۱۳۹۰) حقوق کودک، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: آل البیت^(ع) لإحياء التراث.
۵. دانش پزوه، مصطفی، (۱۳۹۲)، مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. رسولی، عبدالحسین، (۱۳۹۳)، اموال و مالکیت در حقوق افغانستان، کابل: دانشگاه ابن سینا.
۸. صفایی، سیدحسین، امامی، اسدالله، (۱۳۹۳)، مختصر حقوق خانواده، تهران: نشر میزان.
۹. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۰)، حقوق مدنی خانواده، تهران: گنج دانش.
۱۰. موسوی خمینی، سید روح الله، (بی تا)، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم.
۱۱. نصیری، محمد، (۱۳۹۵)، حقوق بین الملل خصوصی، تهران: نشر آگه.
۱۲. وزارت عدلیه، جریده رسمی، (۱۳۹۳)، قانون ثبت احوال نفوس، شماره مسلسل: ۱۱۵۴.
۱۳. وزارت عدلیه، جریده رسمی، (۱۳۹۷)، قانون حمایت حقوق طفل، شماره مسلسل: ۱۳۳۴.
۱۴. وزارت عدلیه، جریده رسمی، (۱۴۲۱)، قانون تابعیت، شماره مسلسل: ۷۹۲.
۱۵. وزارت عدلیه، جریده رسمی، (۱۳۵۵)، قانون مدنی، شماره مسلسل: ۱۳۵۳.
۱۶. وزارت عدلیه، جریده رسمی، (۱۳۸۲)، قانون اساسی، شماره مسلسل: ۸۱۸.
۱۷. وزارت عدلیه، جریده رسمی، (۱۳۸۷)، قانون کار، شماره مسلسل: ۹۶۶.
۱۸. وزارت عدلیه، جریده رسمی، (۱۳۸۸)، قانون احوال شخصیه اهل تشیع، شماره مسلسل: ۹۸۸.
۱۹. وزارت عدلیه، جریده رسمی، (۱۳۹۸)، کد جزا، نمبر مسلسل: ۱۲۶۰.

